

# تعریف جامعه و مختصات فنی آن

همانطور که از نام جامعه برداشت می‌گردد، جامعه جمعی از مردم است. در مورد جمع شدگی آدمیان در کنار همدیگر، نظرات چندی از جانب صاحب نظران و اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی موجود می‌باشد<sup>۱</sup>. اما به هرروی مشخص می‌باشد که جامعه جمعی از آدمیان است که در کنار هم زندگی می‌کنند. پس لازم است این آدمیان در کمال مسالمت در کنار همدیگر زندگی کنند و ضمن احترام به حقوق جمعی، زندگی فردی خویش را انجام دهند. اما علیرغم سفارش همه جانبه در جهان بزرگ به ضرورت احترام به اجتماع انسانی و توجه به حقوق مساوی تمامی در مردم جامعه جهانی<sup>۲</sup>، متأسفانه شاهدیم که یکی از بزرگترین آفات در برخی جوامع بشری، نوع نگاه به چیستی جامعه است. یعنی اینکه بسیاری از افرادی که برخلاف شعارهای ایدئولوژیک - دینی اصلاً باور به تعادل اجتماعی و برابری انسانها نداشته و به صورتهای مختلف سعی در بخش بندی مردم دارند. این افراد با باورگذاری خودی و غیرخودی بر این اعتقاد هستند که خود و همکیشانان بر دیگر افراد جامعه برتری دارند و باید این برتری نژادی یا دینی در جامعه دیده و نهادینه گردد. بدینسان مترصد می‌باشند تا با حکمرانی بر جوامع، تبعیض نژادی و دینی را پیاده گردانده و سرکوب غیرخودیها را سرلوحه کار حاکمیتی خود قرار دهند. حال آنکه این نگرش و این رفتار دقیقاً مغایر با اعلامیه حقوق بشر و ابعاد چیستی و چرایی جامعه بوده و عامل تخریب جامعه بشمار می‌آید.

**تعریف جامعه از بعد چرایی جامعه:** در واقع چرایی و علت جمع شدن و پیوستگی آدمیان در محلی مشخص با نام جامعه یکی از موضوعات چندوجهی و قابل بحث در بین اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی بوده و نظرات گوناگونی مطرح شده است. اما این علل و چرایی تشکیل جامعه، چه بر مبنای نیاز فطری یا الزام زیستی یا معاهده اضطراری و یا هر چیز دیگر که باشد. ولی به هر حال واقعیت پایدار آنست که آدمیان تصمیم به زیست گروهی گرفته‌اند و زمانی طولانی است که زیست اجتماعی انسانها اعمال می‌شود.

**تعریف جامعه از بعد چیستی جامعه:** جامعه فضایی از آدمیان با تکرر نژادی و قومی، تعدد دینی و مذهبی و تنوع عقیده و اندیشه است. این فراوانی ابعادی نشانگر آنست که باید جامعه را چندگونه دید و نباید به یکدست نمودن جامعه اصرار داشت. زیرا که فشار و اصرار بر همگن‌سازی تفاوت‌های جوهری جامعه، دقیقاً مغایر با ذات میدانی جامعه مبنی بر معیار فراوانی گوناگونی جمعیت بوده و سبب آسیب به ماهیت وجودی جامعه می‌گردد.

---

۱ - در باب علت جمع شدن آدمیان در کنار هم نظرات متنوعی ارائه گردیده که نویسنده در مقاله «دو نظریه بنیان مفهوم در مورد رابطه و درک پدیده‌های اجتماعی» در بخش انسان موجود اجتماعی، به گسترده به شرح آن پرداخته است.

۲ - به ویژه آنکه در دوران معاصر با تکوین اعلامیه حقوق بشر، تأکید می‌باشد که تمامی ابنای بشر در جهان از حقوق برابر و یکسان برخوردار می‌باشند و باید به حقوق تک تک انسانها در پوشش جامعه انسانی احترام گذاشت.

**تعریف جامعه از بعد چگونگی جامعه:** جامعه انسانی به جهت ذات چندگانگی و وجود تضاد اندیشوی و تناقض رفتاری بین عنصری آن (بین آدمیان) مکانی متشکل از مناسبات و معادلات بسیار پیچیده می‌باشد. اما از آن سبب که جوهره اجتماع با سازگاری بین آدمیان رخ می‌دهد و نباید جامعه با گسست درونی به افول و نیستی گراید. لذا بایسته است که تحکیم پیوندها و ارتباطات اجتماعی بین مردم به درستی با مدیریت اجرایی داخلی عملیاتی گردیده و به خوبی هدایت گردد. درحقیقت حکومتها و دولتها رسالت و وظیفه اکید دارند تا تلاش کنند، جامعه داخلی را در پیوند با جامعه جهانی و سیر به صیانت حقوق اجتماعی، راهبری اندیشمندانه و هوشیارانه نمایند.

به استناد آنچه در فرازهای بالا بیان شد، پرمسلم است که جامعه مکانی از تجمیع انسانهاست. مکانی که ماهیتا بر نقش و جایگاه یکسان همه اعضای آدمیان صحنه دارد. هیچ کس بر دیگری ارجحیت ندارد و روایی تبعیض در آن شایسته و پذیرفته نیست. بدین صورت احدی حق بدیهی یا حکومتی ندارد که با شکستن وفاق اجتماعی و پیوند بین انسانها، جامعه را دچار تشتت و تنش نماید و جامعه را از ذات حقیقی و واقعی خود خارج گرداند. یعنی جامعه در همه حالات باید جمع مردم دیده گردد و حقوق مساوی تمامی مردم در جامعه رعایت گردد. لذا در راستای تساوی اجتماعی، ضرورتا هیچ تفاوتی مابین اعضای حاکمیت با مردم و یا بین طبقات جامعه وجود ندارد. و حکومتها و دولتها باید ضمن احترام و رعایت به حقوق یکسان طبقات جامعه، به جد از نگاه تبعیض و تمایز بین مردم اجتناب نمایند. مفهوم آنست که هیچ تفکری در قالب حکومت حق ندارد با توزیع و ترویج طبقه بندی حکومتی یا ساختارشکنی جوهر جامعه، رفتار خویش را طبیعی قلمداد نماید.